

## مسئولیت کیفری متصدیان امور پزشکی

سید حسین حسینی<sup>۱</sup>

### چکیده

تعیین مسئولیت کیفری متصدیان امور پزشکی فرع بر تشخیص مصادیق افراد شاغل در حرف پزشکی و سایر حرف وابسته می‌باشد. لازم است این امور در مقررات کیفری نیز مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است فقدان اجتماع شرایط مقرر قانونی موجب انتفاء تعقیب کیفری خواهد شد. در حالی که قوانین خاص پزشکی امکان تشخیص مسئولیت متصدیان امور پزشکی را فراهم نموده، در قلمرو مسئولیت کیفری به این امور به نحو مطلوب توجه نشده است؛ زیرا مسئولیت کیفری متصدیان امور پزشکی به دو دسته قابل تقسیم است: مسئولیت کیفری عام و مسئولیت کیفری خاص. مسئولیت اخیر منوط به آن است که میان قوانین کیفری و قوانین خاص پزشکی هماهنگی لازم وجود داشته باشد.

### واژگان کلیدی

متصدیان امور پزشکی، حرف پزشکی، مسئولیت کیفری عام، مسئولیت کیفری خاص

---

۱. مدیر گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد و عضو هیأت مدیره انجمن علمی حقوق پزشکی ایران  
Email: medlaw2008@yahoo.com (نویسنده مسئول)

## مسئولیت کیفری متصدیان امور پزشکی

به طور کلی مسئولیت داشتن نسبت به امری فرع بر اجتماع شرایط تحقق مسئولیت است به گونه‌ای که اگر شرایط مذکور جمع نباشد مسئولیتی به وجود نمی‌آید. این شرایط به اعتباری به دو دسته قابل تقسیم است. اول: شرایط لازم برای شخص مسؤل. دوم: شرایط لازم برای عمل مسئولیت‌آور. بنابراین زمانی که گفته می‌شود فردی مسئولیت قانونی دارد اولاً، باید از حیث قانونی فرد واجد شرایط مسئولیت باشد. ثانیاً، عمل ارتكابی برخلاف قانون باشد. اگر هر یک از موارد فوق وجود نداشته باشد مفهوم مسئولیت محقق نخواهد شد.

اهمیت مسئولیت در حقوق از آن جهت قابل توجه است که دارای آثار حقوقی است (حسینی‌نژاد، ۱۳۷۰، ص ۱۳)؛ به طور مثال: اگر در دادگاه احراز گردد که فردی مسئولیت کیفری دارد و مجرم است به یقین به دنبال آن موضوع مجازات و اعمال آن مطرح می‌شود.

گرچه مسئولیت حقوقی با لحاظ شرایط لازم نسبت به همه افراد جامعه قابل فرض است، ولی بازتاب آثار این مسئولیت نسبت به افراد مذکور همیشه یکسان نیست؛ به طور مثال: چنانچه فردی به شخص ثالثی خسارت جزئی وارد آورد، آثار الزام به جبران خسارت همیشه غیر قابل تحمل نیست و از طرفی علی‌الاصول الزام مذکور تبعات اجتماعی نیز در بر ندارد. در مقابل، برخی مشاغل و اصناف در فرض ارتكاب عمل خلاف قانون آثار ایجاد مسئولیت ناشی از آن وسیع‌تر و مهم‌تر از مثال قبلی است. دلیل این امر آن است که نقش مشاغل مذکور در جامعه اهمیت ویژه دارد. افراد جامعه نیز نسبت به آن‌ها حساسیت خاصی دارند زیرا بازتاب این گونه مسئولیت‌ها به طور غیر مستقیم به جامعه باز می‌گردد. از جمله مشاغل مذکور، متصدیان حرف پزشکی می‌باشند؛ زیرا حرفه پزشکی دارای

شاخه‌های متنوع و متعددی است که به‌طریق مختلف با افراد جامعه سروکار دارد. بدین لحاظ بررسی جایگاه مسؤولیت کیفری پزشکی و حرف وابسته و مطالعه آن از اهمیت خاصی برخوردار است.

### ۱- مفهوم و شرایط مسؤولیت متصدیان امور پزشکی

شناسایی قلمرو مسؤولیت متصدیان و دست اندرکاران امور پزشکی و حرف وابسته از دیدگاه حقوقی حائز اهمیت می‌باشد. در غیر این‌صورت، مفهوم مسؤولیت در امور پزشکی قابل بررسی نخواهد بود. مسؤولیت در این فرض شناسایی شرایط اعمال و اقداماتی است که متصدیان امور پزشکی براساس آن‌ها مسؤولیت داشته و در صورت اثبات پاسخگو می‌باشند. مفهوم مسؤولیت در معنای فوق یک تعبیر اختصاصی بوده و محدود به افراد آن یعنی صاحبان حرف پزشکی می‌باشد. با این وصف، وجود شرایط خاص برای ایجاد مسؤولیت حرف پزشکی به معنای نهی اجتماع شرایط عام مسؤولیت حقوقی نیست. در نتیجه برای تحقق مفهوم مسؤولیت مذکور، اجتماع دو نوع شرایط ضروری می‌باشد. اول شرایط عام مسؤولیت و دوم شرایط خاص مسؤولیت که به تشریح آن خواهیم پرداخت.

#### ۱-۱- شرایط عام مسؤولیت

در خصوص شرایط نوع اول، صاحبان حرف پزشکی بایستی شرایط دارا شدن مسؤولیت را صرف‌نظر از حرفه خویش داشته باشند. این شرایط در باب عمومات مسؤولیت مطرح می‌شود.

در بادی امر وجود شرایط مذکور مسلم و محرز به نظر می‌رسد زیرا فردی که تصدی یکی از مشاغل پزشکی را برعهده دارد، به یقین برخی شرایط عام

مسئولیت حقوقی مانند بلوغ و عقل را دارد. در عین حال باید توجه نمود که احراز شرایط فوق برای تحقق مسئولیت صاحبان حرف پزشکی ضروری است. به طور مثال، اگر پزشکی مبادرت به تجویز دارویی برای بیمار خویش نماید و در نتیجه بیمار آسیب بدنی ببیند، تحت شرایطی پزشک مسئولیت دارد. همچنین ممکن است تجویز مذکور ناشی از وجود شرایطی چون تهدید و یا اکراه باشد. طبیعی است در چنین فرضی برخی مسئولیت‌های قانونی همانند مسئولیت کیفری ثابت نمی‌شود (عباسی، ۱۳۸۳، ص ۱۵).

همچنین می‌توان به مناسبت مسئولیت حرف پزشکی شرایطی را تصور نمود که حتی رضایت پزشک نیز قابل تأمل باشد، ولی نه به دلیل این که منشاء عدم رضایت، رفتار خشونت‌آمیز یا تهدید باشد، بلکه یک اقدام پزشکی است که برای درمان بیمار خویش انجام می‌دهد، مع‌الوصف شرایط و اوضاع و احوال انجام اقدام پزشکی<sup>۱</sup> به دلیل زمان یا مکان رضایت پزشک را تأمین نمی‌کند. بنابراین چنانچه پزشکی در شرایطی اقدام به عمل پزشکی نماید که مطلوب وی نبوده هر چند برای بیمار وی مطلوب باشد، مانند زمانی که پزشک به دلیل اینکه بیمار سرطانی خویش را که از درد شدید رنج می‌برد از طریق تزریق مقدراری الکل به نخاع وی مبادرت به از کار انداختن حس عصبی بیمارش نماید به طوری که تنها علاج کاهش درد این اقدام پزشکی باشد، آیا می‌توان نظر داد که در اینجا رضایت که یکی از شرایط مسئولیت پزشکی است وجود ندارد؟ (آل شیخ مبارک، ۱۳۷۷، ص ۱۱۱ به بعد).

بدیهی است اگر موضوع از مصادیق ضرورت محسوب شود تعیین حکم قانونی سهل است، ولی چنانچه از مصادیق ضرورت قلمداد نشود، به نظر می‌رسد سیاست تقنینی صریحی در این خصوص وجود نداشته باشد. ولی موضوع از دو جهت قابل تأمل است: اول؛ از حیث اخلاق پزشکی، دوم؛ طبق موازین حقوق پزشکی. در

خصوص جهت اول بایستی یادآوری نمود که اخلاق حرفه‌ای نقش مهمی در جواز یا عدم جواز اقدام پزشکی ایفا می‌کند. زیرا مفهوم و مصادیق اخلاق پزشکی با شرایط و عناصری درگیر است که آن شرایط و عناصر همواره ثابت نیستند، بلکه حسب زمان و مکان شرایط و اوضاع و احوال تغییر می‌کند. در نتیجه حکم مسأله مطروحه از کشوری به کشور دیگر و حتی در مرزهای جغرافیایی یک کشور ممکن است متفاوت باشد (ساشادینا، ۱۳۸۶، ص ۳۳).

آنچه مسلم است این که اگر نسیبی بودن حکم اخلاق حرفه‌ای مبتنی بر حفظ اصول و کرامت انسانی بیمار باشد، قابل تأمل ولی اگر منشأ تغییر عواملی مانند تبعیض و تفاوت در شخصیت و موقعیت و میزان تمکن مالی بیمار باشد به گونه‌ای که نسبت به فردی توانا خدمات پزشکی از استاندارد بالایی برخوردار باشد و به نسبت فرد فقیری حداقل امکانات پزشکی فراموش شود، نباید انتظار داشت که بتوان موضوع را در چارچوب موازین اخلاقی توجیه کرد.

در خصوص موازین حقوقی، رویه قضایی کشور ما ملهم از مقررات قانونی حاکم می‌باشد. مقررات مزبور به‌طور عمده در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده‌اند و محاکم اعم از حقوقی و کیفری به آنها استناد می‌نمایند.

## ۲-۱- شرایط خاص مسؤولیت

تحقق مسؤولیت کیفری متصدیان امور پزشکی علاوه بر شرایط عام مسؤولیت مستلزم وجود شرایط خاصی نیز می‌باشد. همین شرایط است که موضوع مسؤولیت خاص کیفری را در حقوق پزشکی مطرح می‌نماید. جهت بررسی شرایط خاص مسؤولیت کیفری متصدیان امور پزشکی نکات ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**۱-۲-۱- مفهوم متصدیان امور پزشکی**

طرح مفهوم متصدیان امور پزشکی بدین جهت است که از نظر حقوقی مسؤولیت کیفری منحصر به پزشکان نمی‌باشد، بلکه سایر افراد شاغل در دیگر رشته‌های مرتبط با امور پزشکی نیز در صورت وجود شرایط لازم مسؤولیت کیفری دارند. بنابراین واژه پزشک یا طبیب مذکور در قوانین و مقررات پزشکی افاده متصدیان امور پزشکی را ننموده، بلکه صرفاً شامل یک رشته خاص از امور مربوط به پزشکی می‌باشد. قانونگذار در مقررات مختلف زمانی که دیگر مشاغل پزشکی را مد نظر قرار می‌دهد، به واژه پزشکی بسنده نکرده و حسب مورد از دیگر مشاغل پزشکی نیز یاد می‌کند. قوانین زیر می‌توانند گواه این مطلب باشند.

**۱-۲-۲- قانون اجازه پرداخت حق محرومیت از مطب مصوب سال ۱۳۶۶**

قانون مذکور حرفه پزشکی را جامع سایر مشاغل وابسته پزشکی ندانسته و بدین لحاظ در مقام تعیین «رشته‌های گروه پزشکی» علاوه بر تخصص پزشکی به تفکیک از تخصص دندانپزشکی، داروسازی، دامپزشکی و علوم آزمایشگاهی نیز یاد می‌کند.

بنابراین همه افراد مذکور پزشک به معنای خاص کلمه نمی‌باشند. ولی به دلیل تصدی در یک امور مرتبط با پزشکی می‌توانند تحت شرایطی همانند پزشک، به تأسیس مطب مبادرت ورزند.

**۱-۲-۳- قانون اجازه تأسیس مطب مصوب ۱۳۶۲**

به استناد قانون اجازه تأسیس مطب مصوب سال ۱۳۶۲، تأسیس مطب منحصر به حرفه طبابت نیست و سایر رشته‌های مرتبط نیز می‌توانند تقاضای جواز تأسیس

مطب نمایندند. بدین جهت قانون مذکور تصریح می‌نماید پزشکان، دندانپزشکان و متخصصین رشته‌های مختلف پزشکی با رعایت این قانون می‌توانند پروانه تأسیس داشته باشند.<sup>۲</sup>

بنابراین متصدیان امور پزشکی مفهوم وسیعی است که قلمرو آن تمام حرف پزشکی و وابسته به پزشکی را شامل می‌شود و به‌طور کلی همه افرادی که به نحوی از انحاء با افراد بیمار سروکار دارند را می‌توان از مصادیق متصدیان امور پزشکی قلمداد نمود. دلیل طرح مطلب فوق یادآوری دو نکته است.

#### نکته اول - ضرورت تعیین مصادیق متصدیان امور پزشکی

قانونگذار بایستی به‌طور صریح و شفاف مصادیق متصدیان امور پزشکی را تعریف نماید. چه در غیر این صورت مسؤولیت کیفری جرائم پزشکی تضمین جامع و مانعی ندارد. زیرا ممکن است افرادی از چنگال عدالت بگریزند با این استناد که قانون حرفه آنان را در زمره مصادیق متصدیان امور پزشکی قلمداد ننموده است. از این حیث شایسته است قانونگذار با رعایت موازین تخصصی امور پزشکی موجبات تدوین یک سیاست جامع کیفری را فراهم نماید. در این خصوص آنچه که باید ملاک قانون‌گذاری قرار گیرد حفظ حقوق بیمار و دفاع از کرامت انسانی او می‌باشد. بیمار فردی است که مکانیسم جسم یا روان او به هر دلیل وضعیت مطلوبی ندارد و در نتیجه ناتوان است. انصاف و عدالت و ترویج احساس همدردی و نوع دوستی اقتضاء می‌کند که در یاری او تسریع و تدقیق شود (عمومی، بی‌تا، ص ۹۷).

ممکن است تعیین افراد و مصادیق متصدیان امور پزشکی سهل باشد. سهل به اعتبار افرادی مثل پزشک، جراح، متخصص بی‌هوشی. ولی آیا می‌توان سایر

افرادی که مستقیماً در امور پزشکی دخالت ندارند ولی نقش آنها از نقش پزشک کمتر نیست را متصدی امور پزشکی ندانست؟ به طور مثال متصدی پذیرش بیمارستان در انجام امور پذیرش تأخیر نماید و امکان دخالت پزشک به موقع نباشد و بیمار به دلیل تأخیر در پذیرش فوت کند. آیا خلاف انصاف و ناعادلانه است که برخی متصدیان امور اداری و خدماتی غیر پزشک را نیز متصدی امور پزشکی بدانیم؟ به نظر می‌رسد به میزان دخالت و نقش این افراد در بهبودی بیمار، بایستی نسبت به تعیین مصادیق متصدیان امور پزشکی اقدام شود، صرف نظر از این که متصدی امور پزشکی، فردی متخصص و پزشک باشد یا خیر. به عنوان مثال، مدیر یک بیمارستان معلوم نیست پزشک باشد و مستقیماً هم در امور پزشکی مباشرت ندارد ولی نقش او در انجام اقدامات پزشکی و کیفیت آن حائز اهمیت است.

### نکته دوم - برخی موارد ابهام در مصادیق متصدیان امور پزشکی

قانون‌گذار مجازات اسلامی موضوع متصدیان امور پزشکی را به طور جامع تعریف ننموده و نحوه قانون‌گذاری به نحوی است که امکان عدم تسری قانون مذکور به برخی از افراد متصدیان پزشکی وجود دارد. به طور کلی احکام قانون مجازات اسلامی مرتبط با اقدامات پزشکی به دو دسته تقسیم می‌شود. اول مقرراتی که در باب عموماً حقوق جزا مطرح شده است. دوم احکام اختصاصی که موضوع حقوق کیفری اختصاصی پزشکی قرار می‌گیرد. علی‌الاصول مقررات عمده پزشکی در حقوق جزای عمومی پیش بینی می‌شود. همین وضعیت، قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی نیز وجود داشت.<sup>۳</sup> یعنی مقررات مربوط به اقدامات پزشکی به صورت کلی و عام مقرر می‌شد. زیرا زمانی که گفته می‌شود حقوق



جزای عمومی یعنی آن دسته از اصول، قواعد و مقرراتی که قلمرو آنها به جرم به خصوصی منحصر نبوده و دایره شمول آنها وسیع می‌باشد. در این راستا بند ۲ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی آنها و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام شود. در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نخواهد بود».

با توجه به عبارت قانونی فوق این سؤال مطرح می‌شود که متصدی «عمل جراحی یا طبی» شامل چه افرادی می‌شود. آیا می‌توان تمامی شاغلین پزشکی و حرف وابسته را مشمول عبارت فوق دانست؟ بدیهی است واژه «عمل جراحی» به اقدام پزشکی خاصی اطلاق می‌شود که متصدی آن پزشکان جراح می‌باشند،<sup>۴</sup> اما آیا واژه «عمل طبی» می‌تواند تمام اعمال حرف وابسته به پزشکی از قبیل رادیولوژی، پرستاری را نیز شامل شود؟ دلیل طرح سؤال این است که چنین شمولی از مجموعه قوانین و مقررات پزشکی و دارویی استنباط نمی‌شود. زیرا قانون‌گذار در کنار واژه پزشکی، واژه دندان‌پزشکی و شاغلان رشته‌های وابسته را نیز ذکر می‌نماید.<sup>۵</sup>

بنابراین زمانی که قانونگذار از واژه پزشکی در معنای عام استفاده می‌کند یعنی تمام متصدیان امور پزشکی را در نظر دارد و به عمومیت آن تصریح می‌کند. در این خصوص می‌توان به ماده ۱۵ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۴/۷/۲۴ اشاره نمود.

ماده مذکور مقرر می‌دارد: «منظور از کلمه پزشکی در این قانون کلیه رشته‌های پزشکی، دندان‌پزشکی، کاردانی بهداشت خانواده، کاردانی مبارزه با بیماری‌ها و پیراپزشکی (علوم آزمایشگاهی، تشخیص طبی، تکنولوژی، رادیولوژی، اودیومتری،

اپتومتری) می‌باشد».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود قلمرو عام رشته پزشکی منحصر به قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد و قابل تسری در قوانین متعدد پزشکی و حرف وابسته نیست. زیرا قانون تصریح می‌کند کلمه پزشکی «در این قانون» (نه در سایر قوانین) دلالت عام دارد.

بنابراین تنوع اقدامات پزشکی و متصدیان امور پزشکی ایجاب می‌کند قلمرو مسئولیت کیفری مرتکبین جرائم پزشکی روشن شود. در غیر این صورت سبب تشتت آراء در محاکم شده و موجب تهدید تساوی افراد در مقابل قانون می‌شود.

در این راستا علاوه بر بند ۲ ماده ۵۹، قلمرو ماده ۶۰ قانون مجازات اسلامی نیز مبهم به نظر می‌رسد. براساس ماده مذکور «چنان‌چه طبیب قبل از شروع درمان یا اعمال جراحی از مریض یا ولی او براءت حاصل نموده باشد ضامن خسارت جانی، یا مالی یا نقص عضو نیست و در مواردی که اجازه گرفتن ممکن نباشد طبیب ضامن نمی‌باشد».

براساس ماده فوق منظور از کلمه «طبیب» چیست؟ قلمرو کلمه طبیب شامل چه تعداد از متصدیان اقدامات پزشکی می‌شود؟ آیا کلمه طبیب شامل اقدامات پرستاری هم می‌شود؟

به نظر نمی‌رسد قانون‌گذار از واژه طبیب معنای عام را منظور نموده باشد زیرا در عمل اخذ براءت توسط پزشک به معنای خاص کلمه صورت می‌گیرد. بنابراین قلمرو مسئولیت کیفری موضوع ماده ۶۰ از حیث امکان تسری به کلیه متصدیان امور پزشکی مبهم می‌باشد.

علاوه بر مقررات عام پزشکی احکام خاص نیز در این زمینه وجود دارد. این دسته از مقررات موضوع حقوق جزای اختصاصی قرار می‌گیرد. در حال حاضر

مقررات مذکور از جمله در قانون مجازات اسلامی در باب پنجم از کتاب دیات، ذیل عنوان موجبات ضمان پیش بینی شده است. این جرائم مستقیماً برگرفته از فقه جزایی اسلام می‌باشند. از این حیث جرائم علیه تمامیت جسمانی به جنایت تعبیر می‌شود. جنایت مذکور به اعتبار عنصر روانی به سه دسته تقسیم می‌شوند: عمد، شبه عمد و خطای محض. مجازات در جنایات اخیر دیه مقرر است که جانی مکلف به پرداخت آن می‌باشد. در باب موجبات ضمان و قلمرو مسؤولیت کیفری نیز در مواد ۳۱۹ و ۳۲۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد.<sup>۶</sup>

ماده ۳۱۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر گاه طیبی گرچه حاذق و متخصص باشد در معالجه‌هایی که شخصاً انجام می‌دهد یا دستور آن را صادر می‌کند هر چند با اذن مریض یا ولی او باشد باعث تلف جان یا نقص عضو یا خسارت مالی شود، ضامن است». ماده مذکور از دو جهت قابل بررسی است: اول بررسی شرایط تحقق مسؤولیت کیفری،<sup>۷</sup> دوم بررسی قلمرو مسؤولیت کیفری، منظور از جهت بررسی اخیر این است که حکم ماده ۳۱۹ نسبت به چه افرادی از شاغلین حرفه پزشکی و حرف وابسته به پزشکی قابل تسری است. در این خصوص دو فرض قابل بررسی است: اول؛ فرض اطلاق طیب به تمام مصادیق رشته‌های پزشکی و وابسته به پزشکی به نحوی که ماده ۱۵ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مقرر نموده است. تعبیر اطلاق مذکور آسان به نظر نمی‌رسد زیرا معنای لغوی و اصطلاحی این دلالت را اثبات نمی‌کند. بنابراین اگر مراد چنین تعبیری است لازم بود قانون‌گذار همانند ماده ۱۵ مذکور به آن تصریح می‌نمود. دوم؛ فرض عدم اطلاق، بدین معنا که قلمرو ماده ۳۱۹ منحصرأً به حرفه طبابت به معنای خاص کلمه قابل تسری است و از حیث سایر حرف وابسته به پزشکی، دارای ابهام می‌باشد. به علاوه قانون‌گذار اگر به تمام متصدیان امور

پزشکی تسری داشت می‌توانست لاقط همانند ماده ۳۲۲ عمل نماید. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «هرگاه طبیب یا بیمار و مانند آن قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او یا از صاحب حیوان برائت حاصل نماید، عهده‌دار خسارت پدید آمده نخواهد بود».

ملاحظه می‌شود که قلمرو ماده مذکور به نسبت ماده ۳۱۹ دارای صراحت بیشتری است. زیرا قانونگذار بعد از به‌کار بردن کلمات طبیب یا بیمار از واژه مانند آن استفاده نموده است. به نظر می‌رسد واژه «مانند طبیب» این امکان را فراهم نماید که قلمرو حکم ماده ۳۲۲ نه فقط قابل اعمال به صاحبان حرفه پزشکی به معنای خاص کلمه باشد بلکه به سایر متصدیان امور پزشکی نیز قابل تسری باشد. معلوم نیست چرا قانونگذار واژه «مانند» مذکور در ماده ۳۲۲ را در دیگر مواد مشابه به کار نگرفته است. این ابهام باعث می‌شود که در قلمرو مواد ۳۱۹ و ۳۲۲ لزوماً استنباط واحد به عمل نیاید.

به‌طور مثال، چه یک متخصص رادیولوژی در نتیجه اقدام پزشکی که انجام می‌دهد خسارتی به بیمار خویش وارد نماید. آیا به موجب ماده ۳۱۹ قانون مجازات اسلامی مسؤلیت کیفری دارد؟ بدیهی است چنانچه برای واژه طبیب معنای عام در نظر بگیریم معنی در اعمال ماده ۳۱۹ نیست و الا امکان تسری به سایر حرف و ابسته به پزشکی نمی‌باشد.

ممکن است این‌گونه استدلال شود که چون حکم ماده ۳۱۹ منحصر به ماده مذکور نمی‌باشد و هر فردی صرف‌نظر از پزشک یا غیرپزشک چنانچه مرتکب جنایت شبه عمد یا خطای عمد گردد مستوجب پرداخت دیه می‌باشد. بنابراین به فرض این‌که ماده مذکور دارای ابهام باشد به استناد دیگر مقررات مربوط امکان تعقیب و مجازات مرتکب وجود دارد. صرف‌نظر از صحت و سقم قضیه، زمانی که

قانون‌گذار احکام خاص وضع می‌کند بایستی نسبت به قلمرو احکام مزبور توجه لازم را داشته باشد و این توجیه صحیح نیست که اگر ابهام در احکامی خاص بود احکام عام قابل اعمال می‌باشد. از آن‌جا که قانون‌گذار مجازات اسلامی در مقام بیان جرائم متصدیان امور پزشکی می‌باشد شایسته است که مصادیق آن را به‌طور صریح روشن نماید. بدیهی است این موضوع امری محال نیست زیرا با مراجعه به مقررات مربوط به جرائم پزشکی و دارویی می‌توان اشکال را مرتفع نمود.<sup>۸</sup> کما این‌که قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از تکنیک حقوقی مناسبی استفاده نموده است. در هر حال نقض مقررات توسط متصدیان امور پزشکی موجب تحقق مسؤولیت کیفری عام و خاص می‌گردد.

## ۲- مسؤولیت کیفری متصدیان امور پزشکی و انواع آن

### ۲-۱- مسؤولیت کیفری عام

منظور از مسؤولیت کیفری عام این است که شخص مسؤول خصوصیت خاصی ندارد و هر فردی در صورت ارتکاب جرم، مشروط به دارا بودن شرایط عام مسؤولیت کیفری قابل تعقیب و مجازات می‌باشد. به‌طور مثال، برای جرایمی نظیر قتل، سرقت یا کلاهبرداری مرتکب جرم خصوصیت خاصی ندارد و هر کس (ولو متصدی امور پزشکی) در صورت ارتکاب جرایم مذکور مسؤولیت کیفری دارد. بنابراین ضابطه تشخیص تحقق مسؤولیت کیفری عام آن است که مسؤولیت مرتکب احراز گردد. بدیهی است که تحقق مطلق خصوصیت مرتکب ملاک نبوده و لازم است نوع خصوصیت مرتبط با یکی از متصدیان امور پزشکی باشد. ممکن است خصوصیت مرتکب یکی از ارکان تحقق جرم باشد. لیکن چنانچه خصوصیت مزبور ملازمه با شاغلین حرفه پزشکی و حرف وابسته نداشته باشد،

مسئولیت کیفری به اعتبار افراد مذکور از نوع عام تلقی می‌شود؛ به‌عنوان مثال: می‌توان به ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری اشاره نمود. براساس ماده مذکور در جرم اختلاس خصوصیت مرتکب یکی از ارکان جرم محسوب می‌شود و لازم است رفتار مجرمانه توسط یکی از افراد مذکور در این ماده ارتکاب یابد، ولی چون خصوصیت مرتکب مستقیماً با متصدیان امور پزشکی ارتباط ندارد و در فلسفه جرم‌انگاری نیز جرم اختلاس با متصدیان امور پزشکی ملازمه انحصاری ندارد. مسئولیت مختلس به اعتبار جرائم پزشکی در زمره مسئولیت کیفری عام قرار می‌گیرد، حتی در فرض این‌که مختلس یک پزشک مستخدم دولت باشد. پس اگر پزشک مسؤل در یک بیمارستان دولتی مرتکب جرم اختلاس گردد، مسئولیت کیفری نامبرده از نوع عام می‌باشد زیرا ملاک تحقق مسئولیت کیفری رابطه استخدامی وی با دستگاه دولتی بوده است تا تصدی وی به امور پزشکی.

بنابراین ارتکاب جرم اختلاس توسط پزشک در قلمرو جرایم پزشکی قرار نمی‌گیرد. فایده تمیز مسئولیت کیفری عام به اعتبار متصدیان امور پزشکی در این است که در تفسیر و اجرای قانون دچار مشکل نمی‌شود. یعنی در مسئولیت مذکور فلسفه جرم‌انگاری طبابت و حرف وابسته نیست و قانون در معنای وسیع‌تری تفسیر می‌شود؛ زیرا: تصور قانون‌گذار در این‌گونه جرایم صیانت اختصاصی از جامعه پزشکی نمی‌باشد.

مسئولیت پزشک از این حیث در باب عمومات مسئولیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدیهی است مسئولیت پزشکان منحصر به نوع کیفری نبوده، کما اینکه از مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی پزشکان نیز بحث شده است. مسئولیت قراردادی نوعی مسئولیت مدنی بوده و ناظر به زمانی است که پزشک از انجام

تعهدات خود که از قرارداد ناشی شده است، باز بماند و بدین وسیله باعث ورود ضرر به بیمار گردد. در مسؤولیت فوق اجتماع شرایط ذیل ضروری است:

– وجود قرارداد میان پزشک و بیمار

– تخلف پزشک از قرارداد

– تضرر بیمار به دلیل تخلف پزشک از قرارداد یعنی در مسؤولیت قراردادی صرف تخلف از انجام تعهد توسط پزشک کافی نبوده بلکه لازم است زیان وارده ناشی از عدم اجرای مفاد قرارداد باشد یعنی یک رابطه سببیت میان تخلف پزشک و ضرر وارده به بیمار احراز گردد (میرهاشمی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۵). بنابراین اگر پزشک خطا نماید ولی بیمار به دلیل دیگری فوت نماید، مسؤولیت پزشک به اعتبار فوت بیمار منتفی است زیرا بین عمل پزشک ( خطای پزشک ) و صدمه وارده به بیمار (فوت) رابطه سببیت احراز نمی شود (گرگی، ۱۳۷۲، ص ۳۰۶).

بدیهی است مسؤولیت قانونی متصدیان امور پزشکی لزوماً منوط به وجود قرارداد نیست بلکه در مواردی مسؤولیت غیر قراردادی نیز برای متصدیان امور پزشکی قابل تصور است. مبنای مسؤولیت مذکور از طریق مسؤولیت قانونی یا مسؤولیت خارج از قرارداد یا مسؤولیت یا ضمان قهری قابل توجیه می باشد.

علاوه بر مسؤولیت قانونی، مسؤولیت کیفری اخلاقی نیز برای صاحبان حرف پزشکی قابل تصور است. به نظر می رسد مسؤولیت اخلاقی در باب اخلاق پزشکی قابل بررسی باشد. امروزه تعیین مصادیق اعمال موافق و مخالف اخلاق پزشکی در زمره مسایل مهم و قابل بحث قرار گرفته است. به نظر می رسد بیماران از حمایت های اخلاقی یکسانی برخوردار نیستند و از جمله اهداف مهم اخلاق پزشکی شناسایی و توسعه آن صرف نظر از محل بستری و مکان یا محل اقامت بیمار می باشد (ساکاماتو، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

در کنار مسؤولیت کیفری عام، مسؤولیت خاص متصدیان امور پزشکی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است زیرا شرط انتساب عمل مجرمانه تصدی مرتکب جرم در یکی از مشاغل پزشکی و حرف وابسته بدان می‌باشد.

## ۲-۲- مسؤولیت کیفری خاص

در مسؤولیت کیفری خاص متصدیان حرف پزشکی عنصر اساسی تشکیل دهنده جرم بوده و در نتیجه قلمرو جرم‌انگاری وسیع و نامحدود نمی‌باشد. در این نوع مسؤولیت کیفری شرط تعقیب کیفری و انتساب بزه آن است که مرتکب از مصادیق مذکور در قانون باشد. به منظور بررسی تعریف جامع و مانع از مسؤولیت کیفری و نحوه انعکاس آن در قانون ذیلاً برخی از موارد ذیل جرم‌انگاری موجود در این زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۲-۲-۱- صدور گواهی خلاف واقع پزشکی

یکی از جرایم مرتبط با امور پزشکی موضوع اظهارنظرهای خلاف واقع پزشکان می‌باشد. دستگاه‌ها و مؤسسات موجود در جامعه در مواردی نیاز به اطلاع از واقعیت مسائل پزشکی دارند تا براساس گواهی صادره توسط پزشکان اقدام نمایند. در برخی موارد متصدیان امور پزشکی برخلاف واقع اظهارنظر می‌نمایند. به‌طور مثال، فرد مشمول برای فرار از خدمت نظام وظیفه نزد پزشک می‌رود و پزشک مزبور نیز بدون معاینه و هرگونه اقدام پزشکی مبادرت به صدور گواهی مبنی بر صعب‌العلاج بودن بیماری فرد مذکور می‌نماید. به تدریج که موارد عدول از موازین پزشکی افزایش می‌یابد، جامعه احساس ناامنی نموده و جرم صدور گواهی خلاف پزشکی جرم‌انگاری می‌شود.<sup>۹</sup>



قانونگذار ما نیز موضوع را در ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی نموده است. براساس ماده مذکور «هرگاه طبیب تصدیق‌نامه برخلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و هرگاه تصدیق‌نامه مزبور به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته علاوه بر استرداد و ضبط آن به‌عنوان جریمه، به مجازات مقرر برای رشوه‌گیرنده محکوم می‌گردد».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود قلمرو جرم ماده فوق محدود بوده به نحوی که هر کس که عنصر مادی این جرم را مرتکب شود به اعتبار ماده ۵۳۹ مسؤلیت کیفری ندارد. بنابراین جرم موضوع ماده مذکور یک نوع مسؤلیت کیفری خاص را پیش‌بینی نموده و رفتار مجرمانه به افراد خاصی قابل انتساب می‌باشد. بنابر تصریح ماده مذکور یکی از شرایط تحقق جرم این است که مرتکب جرم طبیب باشد. پس اگر غیر طبیب مبادرت به صدور گواهی خلاف واقع نماید مشمول ماده ۵۳۹ نمی‌شود. به نظر می‌رسد قانون‌گذار به نحو شایسته‌ای قلمرو جرم ماده مذکور را تعیین ننموده است، زیرا اولاً؛ واژه طبیب در قوانین و مقررات پزشکی به کار نرفته و نوعاً کلمه پزشک استفاده شده است.<sup>۱</sup> بدین لحاظ بهتر است واژه اخیر جایگزین کلمه طبیب شود.

ثانیاً؛ به کسی طبیب گویند که به شغل پزشکی اشتغال داشته باشد<sup>۱</sup> و پزشک نیز به کسی گفته می‌شود که امور پزشکی به‌خصوصی را انجام دهد. آنچه بدیهی به نظر می‌رسد واژه پزشک مرادف با کلیه متصدیان امور پزشکی نمی‌شود. بنابراین با توجه به این که دیگر متصدیان امور پزشکی ممکن است مرتکب جرم موضوع ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی شوند، به نظر می‌رسد چنان‌چه به جای واژه

طیب از عبارت «متصدیان امور پزشکی» یا «پزشک و سایر متصدیان حرف وابسته به پزشکی» استفاده شود جامعیت ماده ۵۳۹ بهتر تضمین می‌شود. زیرا امروزه برخلاف گذشته صدور گواهی در انحصار پزشک نبوده و ممکن است سایر حرف پزشکی مبادرت به صدور گواهی نمایند که موجب سوء استفاده از امور پزشکی شود.

#### ۲-۲-۲- افشاء اسرار پزشکی

یکی دیگر از جرائم مرتبط با متصدیان امور پزشکی افشاء سر می‌باشد، با این وجود باید توجه داشت که جرم مذکور انحصاراً در عالم پزشکی و حرف وابسته قابل تصور نیست (عباسی، ج اول، ص ۸۱). زیرا فلسفه جرم‌انگاری جرم افشای سر دفاع و حمایت از اسرار خصوصی افرادی است که به ناچار و در مواردی آن اسرار را بازگو می‌کنند. مشاغلی چون پزشکی، وکالت، قضاوت چنین خصوصیتی دارند. مسؤولیت کیفری متصدیان امور پزشکی به صراحت در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است. بر اساس ماده ۶۴۸ « اطباء و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند».

برخلاف جرم ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی که به شغل طبابت اختصاص داشت در ماده ۶۴۸ علاوه بر اطبا از جراحان و ماماها و داروفروشان نیز به‌عنوان متصدیان امور پزشکی یاد شده است. اگرچه واژگان اخیرالذکر جامع نوع متصدیان امور پزشکی نمی‌باشد ولی با توجه به عبارت «کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا

حرفه خود محرم اسرار می‌شوند» جامعیت حکم ماده فوق به لحاظ پوشش تمام متصدیان امور پزشکی تضمین می‌گردد.

جالب توجه است که آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای از عبارت شاغلان حرفه‌های پزشکی (ماده ۴) نام می‌برد که در ماده ۱ همان آیین‌نامه حرفه‌های وابسته به امور پزشکی تعریف شده است. براساس ماده مذکور حرفه‌های وابسته به امور پزشکی مشتمل بر مواردی از قبیل فارغ‌التحصیلان کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد شاغل در رشته‌های علوم آزمایشگاهی، تکنولوژی پزشکی، رادیولوژی، بیورادیولوژی، رادیوتراپی، پرستاری، مامایی، هوشبری، داروسازی، تغذیه، بهداشت خانواده، بهداشت کار دهان و دندان، فیزیوتراپی، مهندسی پزشکی، مدارک پزشکی و... می‌شود. به نظر می‌رسد قلمرو مسؤلیت کیفری و انتظامی متصدیان امور پزشکی نسبت به جرم افشای اسرار به‌عنوان یک جرم کیفری و انتظامی به‌نحو جامعی تدوین شده است. پیشنهاد می‌گردد، قانونگذار کیفری این روش را به دیگر جرائم مربوط به امور پزشکی توسعه دهد به نحوی که در مقام اجرای قانون ابهامی از این حیث به‌وجود نیاید.

### ۳-۲-۲- خودداری از کمک به مصدومین و افراد در معرض خطر جانی

مسؤلیت کیفری متصدیان امور پزشکی به نحو قابل توجهی در قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴ پیش‌بینی شده است.<sup>۱۲</sup>

مسؤلیت کیفری موضوع قانون فوق تمام حرف پزشکی را شامل می‌شود. زیرا عبارت «اگر مرتکب از کسانی باشد که به اقتضای حرفه خود می‌توانسته کمک مؤثری بنمایند...» منحصر به پزشکان نبوده بلکه تمام افراد حرف وابسته به پزشکی

را نیز دربر می‌گیرد.

مؤید این نظر عبارت دیگر قانون می‌باشد که مقرر می‌دارد «... اگر مرتکب از کسانی باشد که به اقتضای حرفه خود می‌توانسته کمک مؤثری بنمایند...» گویای این نظر است که قانون‌گذار قلمرو قانون را منحصر به شغل پزشکی ننموده بلکه از جمله کلیه متصدیان امور پزشکی را نیز شامل می‌شود. به نظر می‌رسد این نوع سیاست تقنینی با واقعیات علم پزشکی روز تطابق بیشتری دارد.

### نتیجه

با ملاحظه مجموعه مقررات مربوط به امور پزشکی و دارویی کشور از یک سو و قانون مجازات اسلامی از سوی دیگر ملاحظه می‌شود که متصدیان امور پزشکی از یک سیاست کیفری هماهنگ و منسجم تبعیت نمی‌کنند. در حالی که قوانین و مقررات اختصاصی توجه به تنوع شاخه‌های علم پزشکی نموده و برای همه آنها به تفکیک و به تصریح تعیین تکلیف نموده است. در مقررات کیفری موضوع مسئولیت کیفری پزشکی به این مهم توجه نشده است. پیشنهاد می‌گردد قانون مربوط به سلامت کشور بر اساس ادبیات اختصاصی خود تدوین شود تا امکان هماهنگی لازم در اجرای قوانین پزشکی فراهم گردد و نظم عمومی مربوط به سلامت و بهداشت جامعه بیش از پیش تضمین گردد.

## پی‌نوشت‌ها

## 1. Circonstances d'acte médical.

۲. بر اساس بند ۱۴ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، یکی از وظایف وزارتخانه مذکور «صدور پروانه اشتغال صاحبان حرف پزشکی و وابسته پزشکی» ذکر شده است. به علاوه ماده ۴ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۳۲۰ و اصلاحات ۱۳۴۷ از واژه پزشکان یا متصدیان سایر فنون پزشکی یاد می‌کند.
۳. به‌طور مثال، بر اساس ماده ۴۲ قانون مجازات عمومی، اعمال زیر جرم محسوب نمی‌شود «۲- هر نوع عمل جراحی یا طبی که ضرورت داشته و با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی‌ها و رعایت موازین علمی و فنی انجام شود ۳- هر نوع عمل جراحی یا طبی که به شرط رضایت صاحبان حق و با رعایت نظاماتی که از طرف دولت تصویب و اعلام می‌شود انجام گیرد...».
۴. در معنای لغوی نیز جراحی به یک اقدام پزشکی به‌خصوصی اطلاق شده و چنین آمده است «و آن‌که زخم‌ها و جراحات‌ها را معالجه کند، طبیعی که برای بعضی امراض اعضای بدن را بشکافد، درستکار» رجوع شود به فرهنگ فارسی معین ج ۱ ص ۱۲۲۲.
۵. رک: مجموعه قوانین و مقررات پزشکی و دارویی، به اهتمام محمود عباسی، انتشارات حقوقی.
۶. به لحاظ سوابق قوانین جزای عرفی می‌توان به قوانین مصوب سال‌های ۱۳۰۴ و ۱۳۵۲ اشاره نمود که حقوق کیفری پزشکی عمدتاً بصورت مقررات کلی و عمومی مقرر شده و بنابراین احکام فعلی مربوط به دیات وجود نداشت.
۷. رک: محمود عباسی، مسئولیت کیفری پزشکان، مجموعه مقالات پزشکی، ج ۴، ۱۳۷۸، ص ۹۳.
۸. رجوع شود به مجموعه قوانین و مقررات پزشکی و دارویی، همان.
۹. رک: عباسی. محمود. صدور گواهی خلاف واقع پزشکی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال اول، شماره دوم، پاییز ۱۳۸۶.
۱۰. مقررات پزشکی و دارویی کشور از واژه پزشک استفاده نموده‌اند.
۱۱. رجوع شود به: فرهنگ لغت واژه «طیب».
۱۲. بر اساس قانون فوق «هر کس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیت‌دار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند بدون این‌که با این اقدام خطری متوجه او یا دیگران شود و یا وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک از اقدام به این امر خودداری نماید به حبس جنحه‌ای تا یک سال و یا جزای نقدی تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد. در این مورد اگر مرتکب از کسانی باشد که با اقتضای حرفه خود می‌توانسته کمک مؤثری بنماید به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده هزار ریال

تا یکصد هزار ریال محکوم خواهد شد. مسئولان مراکز درمانی اعم از دولتی یا خصوصی که از پذیرفتن شخص آسیب دیده و اقدام به درمان او یا کمک‌های اولیه امتناع نمایند به حداکثر مجازات محکوم می‌شوند...».

#### فهرست منابع

- آل شیخ مبارک، قیس بن محمد. (۱۳۷۷). حقوق و مسئولیت پزشکی در آیین اسلام. (ترجمه محمود عباسی). انتشارات حقوقی.
- حسینی نژاد، حسینقلی. (۱۳۷۰). مسئولیت مدنی. انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.
- ساشادینا، عبدالعزیز. (۱۳۸۶). بنیادهای اخلاقی حقوق بشر. (ترجمه محمود عباسی؛ لادن عباسیان). فصلنامه حقوق پزشکی، سال اول، شماره اول.
- ساکاماتو، هیاکودای. (۱۳۸۶). فرهنگ شرقی و جهانی شدن اخلاق زیستی. (ترجمه و تحقیق محمود عباسی). فصلنامه اخلاق پزشکی، شماره اول.
- عباسی، محمود. (۱۳۸۳). حقوق پزشکی، مؤسسه فرهنگی حقوقی سینا.
- عباسی، محمود. (۱۳۸۳). مجموعه قوانین و مقررات پزشکی و دارویی. انتشارات حقوقی.
- عباسی، محمود. (۱۳۸۳). مجموعه مقالات حقوق پزشکی. جلد اول. انتشارات حقوقی.
- عباسی، محمود. (۱۳۸۶). صدور گواهی خلاف واقع پزشکی. فصلنامه حقوق پزشکی. سال اول. شماره دوم. پاییز ۸۶.
- عباسی، محمود. (۱۳۸۷). مسئولیت کیفری پزشکان، مجموعه مقالات پزشکی، جلد ۴.
- عموئی، محمود. (بی تا). عوامل مؤثر در طرح شکایات بیماران از پزشکان. مجله پزشکی قانونی. شماره ۷.
- فرهنگ فارسی معین. (بی تا). جلد ۱.
- گرگی، ابوالقاسم. (۱۳۷۲). مقالات حقوقی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- هاشمی، میرسرور. (۱۳۸۳). ضمان پزشک در فقه و حقوق اسلامی. نشریه ندای صادق. شماره ۳۳.

یادداشت شناسه مؤلف

سید حسین حسینی: متخصص حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه سوربن، عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد و عضو هیأت مدیره انجمن علمی حقوق پزشکی ایران (نویسنده مسؤول)

نشانی الکترونیک: medlaw2008@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۵/۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۷/۲